

## زنان، جنگ و امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱۶

وی در ماههای اخیر سعی کرده است به محافظه کاران نو نقشهای کلیدی تر اعطا کند. از جمله این افراد، کاندولیزا رایس است که بعد از حادثه یازده سپتامبر در تدوین و اجرایی نمودن سیاستهای نظامی گری در صحنه بین المللی و سیاست تهاجمی بر ضد حقوق فردی و دموکراتیک در ایالت متحده آمریکا نقش بسیار فعالی داشته است. وی همچنین با حاضر شدن در کمیسیون تحقیق کنگره آمریکا از تمام اقدامات غیرقانونی دولت بوش دفاع کرد و با این کار، تاثیر به سزایی در انتخاب دوباره بوش به پست ریاست جمهوری این کشور گذاشت.

ورود چهره هایی از این دست در دستگاه دولتی بوش، نشاندهنده تلاش در جهت تثبیت هژمونی ایالت متحده آمریکا در سراسر جهان با توسل به ادامه سیاستهای خشن نظامی خواهد بود.

امپریالیسم قصد دارد، سیاست جنگ علیه تروریسم را به همان اندازه که در صحنه بین المللی پیاده می کند، در سطح جامعه آمریکا نیز به اجرا در آورد و در این مسیر حتی تروریسم به مساله کورتاژ نیز ربط داده می شود. بوش در سی امین سالگرد حق آزادی سقط جنین در آمریکا گفت: «حق آزاده سپتامبر ما به وجود شیطان بر روی زمین پی بردیم و امروز در جنگی بر علیه ستمگری بر مردم هستیم... ما موظفیم از جان و زنده ماندن حفاظت کنیم.»

زنان آمریکا با مبارزه ای پیگیر در سال ۱۹۷۳، دادگاه عالی این کشور را مجبور به قبول حق کورتاژ زنان کردند. برخورداری از حق کورتاژ برای زنان به خصوص زنان زحمتکش، حیاتی و مبرم است. این حق به زنان اجازه می دهد تا بتوانند بر زندگی و بدن خود نظارت داشته باشند.

حمله امپریالیسم به حق کورتاژ زنان از امروز شروع نشده است. اولین تلاش برای ممنوعیت سقط جنین از طرف بوش در سال ۲۰۰۳ اعلام شد. وی سعی کرد از کورتاژ در زمانی که جنین معيوب است و یا جان زن در خطر است، جلوگیری به عمل آورد. این نوع کورتاژ در بارداریهای ناخواسته از جمله بارداری در اثر تجاوز جنسی نیز به کار برده می شود. البته این ممنوعیت توسط اتحادیه پزشکان، اتحادیه پرستاران، اتحادیه پزشکان زن و بسیاری متخصصان حرفه ای و متخصصان زنان و زایمان در آمریکا مورد اعتراض قرار گرفت و پذیرفته نشد. اما برنامه بال راست ارتجاعی - استبدادی بوش به همراه عناصر محافظه کار نو، این است تا با فشار و وارد کردن تعدادی بیشتری از قاضیهای مرتجع به دادگاه عالی، حق سقط جنین زنان را به طور کامل پایمال

سازند و تا رسیدن به مقصد از پا نخواهند نشست.

امپریالیسم سعی دارد، زنان را به دوره ای برگرداند که بسیاری از آنان به دلیل قانونی نبودن کورتاژ، به انجام کورتاژهای نامطمین و غیربهداشتی مبادرت می ورزیدند و بسیاری از آنان جان خود را از دست می دادند.

۴۰۰ میلیارد دلار مخارج نظامی در سال، کاهش بیمه و خدمات اجتماعی و درمانی باعث اضافه شدن یک و سه میلیون نفر به فقرای آمریکا در سال ۲۰۰۳ شده است. به عبارت دیگر، ۱۲٫۵ درصد ملت آمریکا در سال ۲۰۰۳، در مقایسه با سال ۲۰۰۲ که ۱۲٫۱ درصد بوده است، در فقر زندگی می کنند و به یقین بیشترین درصد این جمعیت را زنان، به ویژه زنان زحمتکش تشکیل می دهند.

لبه تیز حمله سیاستهای امپریالیسم چه در درون جامعه آمریکا و چه در سطح بین المللی، زنان و دستاوردهای آنان است.

در سال ۱۹۵۹، زمانی بسیار طولانی قبل از به قدرت رسیدن صدام حسین و هنگامی که حزب ناسیونالیست در عراق قدرت داشت، زنان عراقی موفق به تصویب بسیاری از حقوق دموکراتیک خود شدند. طوری که حتی بعد از به قدرت رسیدن صدام حسین، زنان در عراق دارای حقوقی بودند که بسیاری از زنان در کشورهای آسیایی از داشتن آن محروم بودند. زنان می توانستند رای بدهند، رانندگی کنند، مردان حق نداشتند بیش از یک زن اختیار کنند، زنان حق تحصیل و اشتغال به کار داشتند ولی امروز به واسطه سیاستهای جنگ طلبی امپریالیسم، زنان عراقی در شرایط بسیار اسف باری قرار دارند، طوری که بسیاری از آنان به دلیل رشد روزافزون گروه و دسته های بنیادگرا، حتی قادر به بیرون آمدن از خانه خود نیستند.

زنان عراقی که ۶۵ درصد جمعیت کشور را در بر می گیرند، بعد از اشغال، در خانه های خود زندانی شده اند. آنان که از حق پوشش آزاد برخوردار بودند، از ترس گروه های مرتجع و مذهبی، مجبور به پوشاندن خود در انتظار عصبی شده اند. میزان قتلهای ناموسی چندین برابر شده و جنگ خانمانسوز روزی نیست که جان زنی را در عراق تهدید نکند.

جان و حقوق زنان عراقی توسط نیروهای اشغالگر امپریالیستی و بنیادگرایان مذهبی و گروههای قاچاق انسان به طور مداوم تهدید می شود.

شورای رهبری عراق در سال ۲۰۰۳، تصمیم به تغییر قانون خانواده عراق، فطعننامه ۱۳۷ و جایگزین کردن آن با قانون شریعت و اسلام گرفت که با راهپیمایی زنان در کردستان عراق و بغداد و تلاش بسیاری از مدافعان حقوق زنان در داخل و خارج از کشور، موفق به این کار نشد. اما تهاجم به حقوق زنان در عراق پایان نگرفته است.

هدف امپریالیسم از اشغال کشورهای خاورمیانه و انجام انتخابات فرمایشی زیر

لوای ایجاد دموکراسی در این کشورها، توطئه ای بیش نیست و منظور از دموکراسی امپریالیستی، آن دموکراسی است که با تثبیت دولتهای چاکر و حامی خود، منافع امپریالیسم در خاورمیانه را تامین کند. چنین دموکراسی که رای های آن بیشتر از صندوقهای پنتاگون و کاخ سفید بیرون می زند تا از صندوقهای رای گیری در این کشورها، به هیچ وجه منافع ملت این کشورها را تامین نمی کند و خطری جدی برای زنان در مناطق اشغال شده است. اگرچه به گفته خود جرج بوش «جبهه جنگ ما فقط عراق نیست» و امپریالیسم برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی از حمله به کشورهای دیگر در جهت کنترل سیاسی اقتصادی خاورمیانه کوتاهی نخواهد کرد و با وجود انبوه مشکلاتی که در عراق با آن روبروست، می تواند مجدداً به اقدام سیاسی و نظامی یک جانبه در منطقه ای دیگر دست بزند. بدین ترتیب، این خطر، موقعیت زنان در کشورهای دیگر، صلح جهانی و حقوق تمامی زحمتکشان را تهدید می کند.

زمانی که امپریالیسم بر طبل جنگ می کوبد، زنان باید برای تثبیت صلح در جهان فریاد بزنند و بهترین سلاح تشکیل جبهه ای قوی و گسترده برای تثبیت صلح در جهان است. بدین وسیله می توان مبارزه زنان را در سراسر جهان به سطح عالی تری ارتقا داد.

تعرض گستاخانه امپریالیسم به ابتدایی ترین حقوق زنان چه در ایالت متحده آمریکا و چه در سطح بین المللی، بسیار فاجعه بار است. ضرورت مبارزه برای دفاع از حق ملتها برای تعیین سرنوشت خود، بدون مداخله نظامی و مداخله دولتهای خارجی و مبارزه برای صلح در جهان از سوی تشکلهای مستقل زنان، نیروهای مترقی، صلح طلب و عدالت جو، مبرم و حیاتی است.

جنبش زنان، جنبشی جهان شمول است. بنابراین هرگونه صدمه به دستاوردهای این جنبش در هر نقطه از جهان، هرگونه عقب گرد، به زیان زنان در سراسر جهان تمام خواهد شد. جنبش مترقی زنان با جنبش سراسری در جهان برای رسیدن به دموکراسی، صلح و سوسیالیسم در پیوندی ارگانیک و ناگسستگی قرار دارد. بدین ترتیب، هماهنگی و پیوند جنبش زنان با جنبش بدیل جهانی سازی و ضدامپریالیستی می بایست در دستور کار قرار گیرد و با رشد مبارزه زحمتکشان علیه صندوق بین المللی پول، ناتو و بانک جهانی، در جهت مهار توطیه های امپریالیسم در سراسر جهان علیه حقوق دموکراتیک زنان و زحمتکشان گامهایی جدی برداشت.

## تبعیض در ازدواج با تبعه غیر ایرانی

زینت میرهاشمی بر همه تبعیضهای قانونی که بین زنان و مردان در امر ازدواج، حق نگاهداری کودکان و حق ارث وجود دارد، تبعیض در ازدواج با یک تبعه خارجی را هم باید اضافه کرد.

برای ازدواج یک مرد ایرانی با زنی غیر ایرانی از هر ملیت و نژادی، محدودیتی وجود ندارد. زیرا بر اساس دیدگاه آخوندی، با این ازدواج کافره ای به «اسلام» ناچار خواهد شد. اما زنان ایرانی نه تنها حق ندارند که همسری یک فرد غیر مسلمان را بگزینند بلکه، برای ازدواج با یک مرد غیر ایرانی نیز باید از دولت اجازه بگیرند. از آن جایی که زنان ناموس اخلاقی جمهوری ولای هستند، این مردان غیر ایرانی هستند که باید برای ازدواج با زن ایرانی از دولت اجازه بگیرند زیرا که زنان ایرانی حتی از اختیار این که خودشان اجازه مزبور را بگیرند نیز بی بهره اند.

بر اساس ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، هر گاه زن ایرانی بخواهد با مرد «بیگانه» ازدواج کند، باید از دولت اجازه بگیرد. محمود بقال شیروان، رییس یکی از شعبه های دادگاه عمومی حقوقی ویژه دادگاه خانوادگی در تهران در گفتگویی با ایسا ۲۷ دی ماه، این اجازه را «پروانه زناشویی» خوانده و اجرای این قانون را سیاسی و در مصلحت دولت دانسته است.

وی همچنین می گوید: «طبق ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ که هنوز هم کماکان به قوت خود باقی است، هر خارجی که بدون اجازه دولت با زن ایرانی ازدواج کند به حبس از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد.» عمر این قانون که به ۷۰ سال می رسد، مثل قوانین دیگر قرون وسطایی جمهوری اسلامی، زن را نه انسانی مستقل و آزاد و برابر با مرد بلکه موجودی درجه دوم به حساب می آورد. تا آن جایی که در امر چنین پیوندی، مجازات به مرد تعلق می گیرد که همسر ایرانی اختیار کرده است.